

مگ

گفتنی

مردم

طلبه نوشت‌هایی از حضور اعضای گروه علمی «جهاد تبیین» در کارزار سیل پلدختر

گفتند: کارتان؟ همه گفتیم: نوکریم

اسمشان را همان ابتدا گذاشته‌اند گروه علمی - تبلیغی جهاد تبیین؛ همان ابتدا یعنی خرداد ۹۷ که ۹ طلبه قمی شرکت‌کننده در دوره تربیت پژوهشگر انقلاب اسلامی تصمیم گرفتند یک کار علمی جمعی در زمینه‌های مطالعاتی انجام دهند. فعالیت گروه در ۱۰ ماه گذشته هم بیشتر به طرح‌های مطالعاتی گذشت و کارهای علمی‌ای که طلبه‌ها در برنامه‌شان داشتند. با شروع سال جدید و بارش‌های عجیب و غریب سال ۹۸، امسا، بر و بچه‌های «جهاد تبیین» قید درس، مشق و کتاب و مدرسه را زدند و خودشان را رساندند پلدختر. مثل همه طلبه‌ها هم البته هیچ ابایی نداشتند از اینکه عمامه به سر بپروند لای خاک و گل‌ها تا همه بفهمند طلبه‌ها این بار این طوری آمده‌اند تا به درد مردم بخورند. آن‌ها در این روزها اما هر روز هم یک روایت نوشته‌اند از آنچه شاهدش بوده‌اند؛ روایت‌هایی که گاهی شبیه ناله و گلابه است، گاهی متن‌های امید بخشی می‌شود و گاهی درس‌هایی اخلاقی است از روزهای سخت؛ درس‌هایی از نگاه چند طلبه ...

مجازآباد

سند تجمل!؟



چندی پیش تصویری از آیت‌الله جنتی روی یک صندلی طلایی رنگ در فضای مجازی منتشر شد. حسین دهباشی، مستندساز و تاریخ‌پژوه که چند روزی است در کشور عراق به سر می‌برد، تصویری از آیت‌الله جنتی روی صندلی مجلل طلایی رنگ معروف را در حساب کاربری خود به اشتراک گذاشت و نوشت: «در تالار انتظار فرودگاه نجف، این صندلی را می‌بینی. خدایا قبلاً کجا دیده بودی‌اش؟ آهان! همانی نیست که قاب بسته و بریده آن به عنوان سند تجمل در زندگی آقای جنتی دست به دست می‌شد؟ یعنی بنده خدا شاید در مجموع ۱۰ دقیقه روی آن نشسته تا چمدانش را بگیرند!»

توقیف رحمان و نوشدارو پس از مرگ سهراب!



پس از توقیف فیلم سینمایی «رحمان ۱۴۰۰» این فیلم به یکی از سوزه‌های داغ فضای مجازی بدل شده است. کاربری در این‌باره نوشت: «توقیف فیلم رحمان ۱۴۰۰ نوشداروی پس از مرگ سهراب بوده وزارت ارشاد اگر قصد تنبیه فیلمسازان منتقل را دارد، پول مسئله داری را که از طریق فروش فیلم بدون مجوز، عاید تهیه کننده شده، به صاحبان بلیت واریز کند یا به نفق سینماهای محروم جریمه کند».

اینستاگرام علیه‌حشدالشعبی



در پی شایعه‌هایی که درباره حضور نیروهای حشدالشعبی در کشورمان در فضای مجازی ایجاد شد، صفحه اینستاگرامی «جماران» تصویری از معاون حشدالشعبی در زمان دفاع مقدس منتشر کرد و نوشت: «معاون حشدالشعبی سال‌ها پیش در کنار

رزمندگان ایرانی علیه صدام حسین جنگید و امروز هم برای کمک به سربازان وارد ایران شده است» اما اینستاگرام این پست را حذف کرد! یکی از کاربران در این‌باره نوشت: «اینستاگرام با حذف تصویر حضور ابومهندس معاون حشدالشعبی در ایران که در صفحه جماران منتشر شده بود نشون داد پروژه نفرت پراکنی و عصبیت از دوستی ایران و عراق در خارج از مرزهای ایران طراحی شده».

گوشی بازی آقای نماینده



روز گذشته تصویری ناخوشایند از یکی از نمایندگان مجلس در فضای مجازی داغ شد که نشان می‌داد این نماینده پایش را روی میز گذاشته و با تلفن همراهش کار می‌کند. کاربری در زمینه این تصویر نوشته است: «هر یک دقیقه جلسه علنی مجلس ۲۲ میلیون تومان هزینه دارد. هر نماینده به طور میانگین ۵۰۰ میلیون تومان برای ورود به مجلس هزینه می‌کند و نکته دردناک اینجاست که این میالغ هزینه می‌شود تا آقای نماینده در جلسه بررسی سیل، پا روی پا بگذارد و گوشی بازی کند. اینجا خانه ملت است؟»

حجت‌الاسلام دکتر الویری:

تمدن‌سازی

مجرد از زمان و مکان نیست



یادداشت علی محمد مؤبد درباره کتاب محمد دلاوری

بی‌خیالِ اختراع دوباره بعضی چرخ‌ها



با همت خانواده شهید

دومین دوره جایزه هنری

«شهید منصوب» بر گزار می‌شود

سینما و سینما

نگاهی به فیلم «دونده»

که پوستر جشنواره جهانی فجر از آن الهام گرفته است

دویدن به سوی سینمایی تازه

ایستگاه

دکتر «احمد اقتداری» را چقدر می‌شناسید؟

پیر خلیج فارس شناسی



تحمل بی‌پدر شدن، حتی شایع‌اش هم سخت است! چهار روز پیش، یک خبرگزاری معتبر از قول برخی فعالان رسانه‌ای موق اعلام کرد: «احمد اقتداری در گذشت» خدا را شکر، ساعت انتشار خبر جوری بود که فرصت نشد همان روز، گزارش از شخصمان را به پیرعرصه خلیج‌فارس شناسی اختصاص دهیم. از روز بعد هم آن قلت‌های خبری شروع شد و سرانجام خبرگزاری معتبر، خبر درگذشت را از روی خروجی‌اش برداشت و برخی خبرگزاری‌ها هم، درگذشت را تکذیب کردند تا بهانه برای ما جور شده و ...

ادب و هنر

گفت‌وگو با محمد علی گودینی

انقلاب اسلامی، درهای

ادبیات را به‌روی مردم گشود

خواندنی‌ها

نقاشان فرنگی در دربار قاجار



آن زمان که پای نقاشان غربی تازه به ایران باز شده بود، شاهان قاجار مشتری‌های پروپاقرص آثار هنری این نقاشان بودند. شاهان قاجار آن قدر به سبک و سیاق نقاشی‌های اروپایی علاقه‌مند شده بودند که مستقیم با نقاشان اروپایی تماس داشتند و نقاشان درباری ایران را تشویق می‌کردند که سبک هنرمندان اروپایی را تقلید کنند. از آنجا که این هنرمندان ایرانی در دربار زندگی می‌کردند، به احتمال زیاد نقاشان اروپایی را ملاقات می‌کردند و حتی شاید مستقیم از آنان تعلیم می‌گرفتند. یکی از این هنرمندان لویی امیل دونوسه نقاش فرانسوی بود. او در ۱۸ آوریل ۱۸۲۳ م (۱۲۰۲ ش) متولد شد، بعدها به مدرسه نظام رفت و به ارتش پیوست. در سال ۱۸۵۸ به ایران فرستاده شد. در آن زمان، ناصرالدین شاه از دولت فرانسه تقاضا کرده بود که گروهی را به ایران بفرستد تا ارتش ایران را طبق معیارهای فرانسوی تعلیم دهد. دونوسه به مردم‌شناسی و قوم‌شناسی بسیار علاقه‌مند بود و در طول سفر به تهران بیش از ۶۰۰ طرح از مردم در نقاط مختلف ایران کشید. یک سال بعد، به اصفهان، شیراز، کرمان، بلوچستان و خراسان سفر کرد و به مطالعه فرهنگ لر، بختیاری، بلوچ، ارمنی و ترکمن پرداخت. دونوسه صدها طرح با مداد، آبرنگ، قلم و مرکب کشید که تصاویر سربازان و اسلحه‌ها، زنان و مردان اقوام مختلف، ناصر الدین شاه و درباریان، خدمتگاران، مکان‌های مقدس، پل‌ها، کوه‌ها، دریاچه‌ها، شهرها و دروازه شهرها را دربرداشت.

او ایران را پس از سه سال ترک کرد. آثار دونوسه، ناپلئون سوم و ملکه او را بشدت تحت تأثیر قرار داد. در سال ۱۸۶۲، این آثار را در آکادمی علوم فرانسه به نمایش گذاشتند و وزارت علوم فرانسه کتابی از طراحی‌های دونوسه چاپ کرد. دونوسه به دربار ناصر الدین شاه نیز راه یافت و دست‌کم دو طرح از شاه کشید.

کافه تاریخ

عکس‌گرام

۳ شهید در یک قاب

صفحه اینستاگرامی شهید مدافع حرم حسین معزغلامی با انتشار تصویری از سه شهید در یک قاب نوشت: تصویر شهید علی سعد که تاکنون مفقودالاکثر بوده و بنازی تحقیق شده است در عیادت از شهید جواد الله‌کرم به همراه شهید حسین معز غلامی.



گل محمدی: برای قهرمانی ما اتفاقات عجیبی باید رخ دهد

مربیان ایرانی هم می‌توانستند مثل کی‌روش نتیجه بگیرند

کاربران فضای مجازی در حمایت از قوه قضائیه هشتگ #تخریب_ویلاهای_غیرمجاز را در توئیتر فارسی ترند کردند

رودخانه خواری!



عکس از توئیتر است

استغفاهای مکرر برخی از مسئولان در پی خواشی مجازی ویلاهای غیرمجاز حاشیه زاینده‌رود، قسوه قضائیه برای جلوگیری از خسارت‌های احتمالی به ماجرا ورود کرده و شروع به تخریب ویلاهای لاکچری اطراف زاینده‌رود کرد. ویلاهایی که به گفته مسئولان قسوه قضائیه بعضاً در مکان‌های سخت‌گذر ساخته شده‌اند که امکان تردد ایزرالات مکانیکی در آن مکان‌ها وجود ندارد؛ به همین خاطر پروژه تخریب این ویلاها به شکل سنتی و با بیل و کلنگ در حال انجام است!

یکی از کاربران در این‌باره نوشته است: «در مکان‌های خاص، آدم‌های خاص، ویلاهای خاص و میلیاردری می‌سازند و در میان سکوت نهادهای مسئول مثل شهرداری و سازمان محیط زیست؛ قوه قضائیه به ماجرا ورود می‌کند. خدمتگزاری به مردم را یاد بگیرید آقایان».

آغاز اده لوان‌شین

فقط چند ساعت پس از اقدام قوه قضائیه، هشتگ #تخریب_ویلاهای_غیرمجاز ترند توئیتر فارسی شد. کاربران فضای مجازی در قالب این هشتگ از قوه قضائیه برای برخورد قاطع با ویلاسازی غیرمجاز در حاشیه زاینده‌رود قدردانی می‌کردند. کاربری در این‌باره نوشته بود: «مسئولان برای ساخت این ویلاها که تا وسط آب اوسده جقدر گرفتند؟ باز دم قوه قضائیه گرم که در صف مقدم مبارزه با زمین‌خواری در جایگاه مدعی‌العموم با زمین‌خواران قاطعانه برخورد می‌کنند».

اما ویلاهای حاشیه زاینده‌رود نه نخستین ویلاسازی‌های غیرمجاز بودند و نه قرار است آخرین آن‌ها باشند. ویلاهای غیرمجاز که در سال‌های اخیر در نقاط مختلف کشورمان ساخته شده‌اند کم نیستند. ویلاهای میلیاردری که با روابط خاص و پشت پرده و گاه با رد و بدل شدن پول‌های هنگفت مجوز ساخت می‌گیرند و گاه با کنجکاو اهالی فضای مجازی سر زبان‌ها می‌افتند. نمونه‌اش ویلا

شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۸

۱۰ شعبان ۱۴۴۰ ۱۶ آوریل ۲۰۱۹ سال سی و دوم | شماره ۸۹۴۲ |

پیشنهادسفر

دیدنی‌های درگز؛

از محوطه باستانی یارم تپه تا پلکان نادر

پلکان

زهرّا صالح‌نژاد: درگز یکی از باستانی‌ترین و قدیمی‌ترین مناطق ایران است. این شهر با قدمتی حدود ۷۰۰۰ سال در مرز ایران و ترکمنستان قرار گرفته است. این شهر را دوران پیش از اسلام به «دارا گرد»، «دارا گرد»، «جسایا» و بسیاری نام دیگر می‌شناخته‌اند.البته درباره گذاری امروز این شهر شماری گفته‌اند چون در این ناحیه بیشه و درخت گز زیادی وجود داشته، به «دره گز» سرشناس شده‌است که به نظر صحیح نمی‌رسد.درگز، به علت مجاورت با مرز ایران و جمهوری ترکمنستان از اهمیت سیاسی و نظامی خاصی برخوردار است.بیشتر آثار تاریخی این شهر به دوره افشاریه تعلق دارند؛ آثاری که برخی از آن ها را در ادامه می خوانید.

محوطه باستانی بندیان



محوطه باستانی بندیان بزرگ‌ترین گنجبری یافت شده از دوران ساسانی است. این محوطه در سال ۱۳۶۹ در اثر کارهای تسطیح اراضی کشاورزی کشف شد و از سال ۱۳۷۳ تاکنون در دست حفاری و بررسی باستان‌شناسی است. برج خاموشی نیز دراین محوطه وجود دارد.در آتشکده گنج کاری‌های زیبایی از دوره ساسانیان وجود دارد که موضوعات آن عبارتند از: پیروزی بهرام پنجم بر پادشاه هپتالیان، مراسم مذهبی در حضور آناهیتا، معرفی افراد به شاه و صحنه ضیافت تاج بخشی به شاه. درون آتشکده آشندهای زیبا یافت شده و پنج کتیبه به خط پهلوی در محراب آن قرار دارد.

پارک ملی تندوره



پارک ملی تندوره یکی از ۲۳ پارک ملی کشورمان است که به لحاظ نمونه‌های برجسته مظاهر طبیعی تحت حفاظت سازمان حفاظت محیط زیست قرار دارد. این پارک در نزدیکی مرز ترکمنستان و در منطقه‌ای کوهستانی با صخره‌ها و تپه ماهورهای متعدد و دره‌های ژرف و پرشیب پوشیده از گیهان قرار دارد و یکی از بهترین زیستگاه‌های جانوران وحشی بویژه قوچ و میش اورپال است.

یارم تپه

یارم تپه یا به زبان محلی یاریم تپه شامل آثار نخستین سکونت اقوام دوره ماقبل تاریخ و روزگار باستان در دشت است و ظاهراً این اقوام از هزاره پنجم قبل از میلاد در این محل ساکن شده و مدارج ترقی را تا اواخر دوره ساسانی در این جلگه پیموده‌اند. یارم تپه به علت سکونت‌های مداوم شکل مرتب و منظمی را ندارد. تمدن یارم تپه را می‌توان معرف تمدن شمال شرقی ایران دانست که تاکنون مطالعه گسترده‌ای درمورد آن نشده‌است. برخی از نقوش بر روی سفال‌ها منحصر به فرد بوده و دارای خصوصیات و مشخصات محلی می‌باشد. این تپه تاریخی در حدود ۵۰۰ متری غرب بندیان و در مجاورت رود درونگر قرار دارد.

قبرستان گبرها

بنا بر متون و منابع کهن پیشینه این محوطه به قرون ۶ تا ۹ هجری و دوران ایلخانی باز می‌گردد. در این متون از زرتشتیان و مغ‌ها تحت نام گبرها یاد شده‌ است. این گروه از زرتشتیان در زمان ایلخانان به درگز مهاجرت کرده و در روستاهای جلفا، خیرآباد مرکزی و پالکانلو مسکن گزیده‌اند و احتمالاً به همین سبب مکان مزبور به قبرستان گبرها معروف گردیده است. این قبرستان بر روی تپه‌ای قرار گرفته است.

بقعه علامه شهرستانی



از مزارات معتبر شهرستان درگز بقعه منسوب به مدفن علامه شهرستانی است. وی در علوم کلام و اصول، تفسیر و حدیث و فلسفه و ادب از نامداران عصر خود به شمار می‌رفت و رسائل و کتب بسیاری از خود برجای نهاده است.

پلکان‌نادری

در گردنه جنوبی کوه‌های الله اکبر کنار شوشه نزدیک روستای کپکان راهی قرار دارد که حدود ۵۵۰۰ ۹۰۰ پله‌است که بر اثر تراش سنگ‌ها ایجاد شده است. عرض هر پله ۳ متر و پهناي آن ۳۰ متر و ارتفاع آن ۱۳ سانتی متر است. در کمرگاه پلکان سه کتیبه مربوط به این اثر وجود دارد که به سختی قابل خواندن است.نادرشاه افشار در این شهرستان که زادگاه خودش بود، به خاطر گذر دادن تجهیزات و افرادش به شهرهای دیگر به دلیل صعب العبور بودن، در دل کوه‌ها راه مالرو و ارابه رو در ارتفاعات دشوارالله اکبر احداث کرد که نشانه عزم و اراده نادری بود. ساخت این راه مدت‌های مدیدی طول کشید، اما به پایان رسید.

روزق روز اول

امروز صبح، رزقمان بد نبود، رقتیم خانه زنی که می‌گفت: «دو، سه تا بچه یتیم دارم و یک مغازه کوچک». اجناسم و تمام زندگی‌ام را آب برده...». گل ولای را وقتی از حیاط خانه‌اش بیرون کردیم، حس خوبی بهمان دست داد. گفتیم: «مادر جان ان شاء الله درست می‌شود! الحمدلله که سالمید!» از ما چادر می‌خواست. حیف که نداشتیم، شرمندماش شدیم. **#پلدختر ۱۵فروردین ۱۳۹۸**

مهربانی این آدم‌ها

بغضمان گرفته، دارد شروع به باریدن می‌کند. فضا سنگین است، شب وقتی که برای پخش غذا در میان گل و لای، ماشین را به زحمت از میان کوجهای تاریک شهری که تازه گریم‌هایش بند آمده، عبور می‌دادیم؛ اما ها را سراپا گلی می‌دیدیم...به زنی رسیدیم. به او گفتیم: غذا خورداید؟! گفت: نما یک کنسرو به او دادیم. خواستیم دومی‌اش را بدهیم. گفت: نه، به دیگران بدهید... من مهربانی را در این عارفش با وجودی که بر تل گل نشسته بود، دیدم!شب بود و هوا تاریک و فضا سنگین!

۱۵ فروردین ۱۳۹۸

قدرت ماورایی بیل!

ما قدرت بیسل را در بعضی مواقع برتر از هر تربیتی می‌دانیم، مخصوص وقتی که آن بیل در دستت یک روحانی معمم باشد، خاص‌تر اینکه آن روحانی معمم سید هم باشد!

قربان صدقه رفتن‌های مردم سیل‌زده را ندیده‌اید. **۱۶فروردین ۱۳۹۸**

آنکه درد داده...

امروز جمله‌ای از این مرد سیل‌زده دردمند شنیدم که تأثیرش شاید بیشتر از حرف یک علامه فیلسوف عارف...باشد، بیل می‌زد و می‌گفت: «آنکه درد داده، دوا هم می‌دهد».

#حکمت‌عملی

هم نفس بچه‌های جهادی

بیل‌ها در دَسْت، همه به خط، از میدان شهدا شروع کردیم به سمت خیابان سلمان. دنبال خانهای می‌گشتیم برای پاکسازی. زنی آمد و با خواهش و تمنا ما را به سمت خانه‌اش هدایت کرد. می‌گفت: کسی را ندارم. دور و برش دو تا جوان بود. گمان کنم یکی‌شان برادر و دیگری همسرش بود. او گفت: «همسرم که کمک می‌کند. این مرد ولی پایش پلاتینی است. نمی‌تواند کار کند!».

خانه‌اش از آن خانه‌هایی بود که آدم می‌ترسید تویش برود، تا چه رسد به اینکه در آن بماند و بیل بزند! از امنیت و استحکام خانه که مطمئن شدیم، داخل شدیم. گل‌های چنر بد بدن، بدجور داخل خانه جانخوش کرده بودند و مگر راضی می‌شدند که از راهروی تنگ خانه بیرون بروند!

نفس آدم بند می‌آید در نبرد بیل و گِل و بیل! اما همین که آدم رفیق جهادی‌اش را می‌بیند که دارد نفس نفس می‌زند، خودش هم نفس می‌گیرد. انصافاً جهادی‌ها عشقند!

وسط کار دیدیم مرد جوان با حسرت از لوازم خانگی‌اش که زیر گل بودند، صحبت می‌کند: «این موکت‌هایی را که پیدایشان نیست را فکر می‌کنی کی خریدم؟!» و بدون اینکه به ما مهلت پاسخ دهد، قسم می‌خورد: «به خدا قسم دوهفته پیش... امسال عید، لوازم خانگی مان را تو کردی برام...مهم نیست!» معلوم بود دل وسیعی دارد.

#پلدختر #جهادی_نوشت ۱۷فروردین ۱۳۹۸

یک روز یه تُر که...!

یه روزی یه تُر که با یه فارسه‌با یه عربه رفتن کنار یه مازنی و منهدی و اصفهونی بعد دسته جمعی پا شدن رفتن دم خونه لره! گفتن: «داداش نینیم غمتو میذار بیچینم گلتو؟ می‌خوام درارم از او زیر دلنو!» لره خندید. از رو کنده سرخ آتش دلش یه چایی داغ ریخت برای داداشش.

۱۹ فروردین ۱۳۹۸

طلبه نوشت‌هایی از حضور اعضای گروه علمی «جهاد تبیین» در کارزار سیل پلدختر

گفتند: کارتان؟ همه گفتیم: نوکریم

ا مردم/ آرمان اورنگ | اسمشان را همان ابتدا گذاشته‌اند **گروه علمی – تبلیغی جهاد تبیین**؛ همان ابتدا یعنی خرداد ۹۷ که ۹ طلبه قمی شرکت‌کننده در دوره تربیت پژوهشگر انقلاب اسلامی تصمیم گرفتند یک کار علمی جمعی در زمینه‌های مطالعاتی انجام دهند. فعالیت گروه در ۱۰ ماه گذشته هم بیشتر به طرح‌های مطالعاتی گذشت و کارهای علمی‌ای که طلبه‌ها در برنامه‌شان داشتند، با شروع سال جدید و بارش‌های عجیب و غریب سال ۹۸ بر، و بچه‌های «جهاد تبیین» قید

درس ، مشق و کتاب و مدرسه را زدند و خودشان را رساندند پلدختر. مثل همه طلبه‌ها هم البته هیچ ابایی نداشتند از اینکه عمامه به سر برونند لای خاک و گل‌ها تا همه بفهمند طلبه‌ها این بار این طوری آمده‌اند تا به درد مردم بخورند. آن‌ها در این روزها اما هر روز هم یک روایت نوشته‌اند از آنچه شاهدش بوده‌اند؛ روایت‌هایی که گاهی شبیه ناله و گلایه است، گاهی متن‌های امید بخشی می‌شود و گاهی درس‌هایی اخلاقی است از روزهای سخت؛ درس‌هایی از نگاه چند طلبه جوان.



یا دوربین! بگیر آنکه را فرار می‌کند!

ظاهر شدن در قاب عکس برای جهادی‌ها لذتی ندارد. برای همین سعی‌شان بر این است که در حوزه استحقاقی دوربین قرار نگیرند. از بد حادثه اما، امروز یک عکاسی سمج، همعاش دور و بر ما می‌پلکید. خب آخوند عمامه به سر و لجن رویی از جوی آب برایشان سوژه نابی است دیگر. بهشان حق می‌دهیم. خلاصه امروز، حدود ۲۰ دقیقه‌این برادر عکاس ما، دنبال شکار سوژه‌اش، از زوایای مختلف، تندتند عکس می‌گرفت. حاج مهدی کشتکاران، مسئول جهاد تبیین هم رویش را به سمت عکاس کرد و با لبخندی که پر از دندان فروجه بود و جمله معترضه «جان مادرت ول کن، بیسا برو رد کارت» گفت: «برادر!خلاقوت. کارتون نموم نشد!؟».

– نه حاج آقا! هنوز آونی که می‌خوام، نشده!

۱۸ فروردین ۱۳۹۸



نباید چیزی از شاه بگیریم

ساعت ۱۰ صبح بود، یکدفعه دیدیم زلزله شد. همه رفتیم بیرون. کلی آدم کشته شده بودند. همه می‌ترسیدند توی ساختمان‌ها بروند. پراکنده شده بودند در زمین‌های زراعی. بعد کم کم گروه امداد روحانیت آمدند و در یک زمین بایر چادر زدند. آن‌ها برای مردم کمک آورده بودند. یادم هست لای نان‌ها ماست چکیده کرده بودند، بسکوییت می‌آوردند، شیرخشک می‌آوردند. بابای من راضی نبود برویم از هلال‌احمر چیزی بگیریم. او می‌گفت: «آن‌ها مال شاه است. برایمان خوب نیست. ما زحمتکش

از خاطرات حسین علیمردانی

قطره‌هایی که دریا شدند

باورتان می‌شود این همه خرابی، کار آن قطره‌های بارانی است که با لطافت، شیشه پنجره اتاقمان را نوازش می‌کرد؟ گمان می‌کنم این قطره‌ها، قدرتشان را در تجمع و اتحاد، به دست آورده‌اند. راستی ما قطره‌ها هم می‌توانیم اقتدا به باران کنیم و سیل خسارت را با سیل سخاوت پاسخ بدهیم. آن وقت است که این سیل پر خروش، شروش رحمت الهی می‌شود. **۱۷ فروردین ۱۳۹۸**

روزهای خون و عرق

این حادثه فریاد می‌زند. سیل آمده بود تا پرده از چهره نفاق برکند و مرد میدان را بر ترک خود سوار کرده و به سوی ظهور پرشتاب حرکت دهد. این حادثه فریاد می‌زند. صدای پا می‌آید «بوم العرق و العلق» در راه است. این حادثه صدای قدم‌های یار را فریاد می‌زند.

#توضیح_نوشت: در روایات، روز ظهور این گونه توصیف شده که در آن عرق و خون بسته شده مجاهدان را حق با هم آمیخته‌می‌شود.

#جهادی_نوشت ۱۸فروردین ۱۳۹۸

اینجا همه هستند

بزرگ‌ترین حسرت زندگیمان این بود که حال و هوای رزمنده‌ها و شهدایی را که هشت سال از میهن و اسلام دفاع کردند، درک کنیم. حالا امسا می‌دانیم که اینجا هم میدان جنگ است؛ اما جنگ با نفس اماره. عجب انسان‌هایی هم اینجا می‌بینید! کوچک و بزرگ با هر وسیله‌ای که داشته‌اند. خودشان را رسانده‌اند و هر کدام گوشه‌ای از کار را گرفته‌اند. همه هستند. ارتش، سپاه، هلال احمر، نیروی انتظامی، روحانیت و ...

#جهادی_نوشت ۱۸فروردین ۱۳۹۸

و ثَبَّت لی قدم صدق...

فرقی نمی‌کند قدم در جاده خاکی بگذاریم یا گلی. مهم این است که اگر ارباب قبولمان کند، در مسیر حسینیم. «و ثبت لی قدم صدق عندک مع الحسین و اصحاب الحسین...».

#پلدختر ۱۹فروردین ۱۳۹۸

یادی از مشعر

آنچه در این شهر می‌بینیم چیزی فراتر از یک سیل و ویرانی‌های آن است. گذشته و آینده را در این رود می‌بینیم؛ رودی که نمی‌دانیم مثل همیشه به او لبخند بزنیم یا به خاطر ویرانی‌هایی که به جا گذاشته، برسش فریاد بکشیم. وقتی به این رود وحشی نگاه می‌کنیم، چند روز قبل را می‌بینیم که ارتفاع آن به قدری باورنکردنی بالا آمده بود که یخچال کهنه پسرزن را در اتاق ۹ متری‌اش بلند کرده و به صورت افقی به سقف خانه چسبانده و به همان صورت روی نیم متر گل به زمین نشاندۀ بود.مثل این قدرت گسترده را تنها در صحرای مشعر دیده بودیم. آنجا انسان‌های زنده به حیات نهفته در حج، بیان مشعرالحرام را مظهری از محشر قیامت کرده بودند. و اینجا آب، مایه حیات خلقت مادی، کوه و دشت را با گل و لایش به هم پیچیده و به مظهر کوچکی از «الارض» قبضه قیامت «یوم القيامة» تبدیل کرده است. **۱۸ فروردین ۱۳۹۸**

موج مهربانی تا دریای حسین(ع)

در آزمون سیل، موج مهربانی مردم بیشتر از موج آب است. سیل نیامد که ما را با خود ببرد. سیل آمد تا ما را با خود بیاورد... پس بیایید همه به دریای محبت حسین(ع) بپیوندیم و یک بار دیگر زندگی به سبک اربعین را تجربه کنیم.

#پایان سفر #حب_الحسین_یجمنه#پلدختر

۱۹ فروردین ۱۳۹۸

هستیم و باید نان حلال بخوریم. اگر می‌خواهید اسبابی بگیرید بروید از گروه روحانیت بگیرید».

از خاطرات زهرّا بخشام

جو خوبی راه انداخته بودند

شیر و خورشید اصلاً توان و امکاناتی نداشت، شاید در حد همین که بتوانند مجروحی را جابه جا کنند وبس. تجربه‌ای هم نداشتند که بتوانند این کار‌ها را انجام بدهند. در نقطه مقابل ولی برای گروه روحانیون مرتب کامیون‌های آذوقه می‌رسید. حتی وقتی زمستان شد، زغال می‌آوردند یا در فصل مدرسه‌ها برای دانش‌آموزان لوازم می‌آوردند. مرحوم پدرم معلم قرآن بود. این‌ها پدرم را تشویق می‌کردند که بچه‌ها را در اطراف خودش جمع کند و برایشان کلاس قرآن بگذارد. خلاصه جو بسیار خوبی را راه انداخته بودند.

از خاطرات حسین علیمردانی

آقای خامنه‌ای به همه روستاها سر کشی می‌کرد

پدر من شناخت زیادی از مردم فردوس داشت. برای همین برای اینکه آقای خامنه‌ای بدانند هر فردی چه احتیاجی دارد، معمولاً با ایشان همراه می‌شد. همین طور سید جمال جلیلی یکی دیگر از افرادی بود که چون موتور داشت، حضرت آقا هر جایی که می‌خواستند بروند، با موتور ایشان می‌رفتند. ایشان نه تنها از خود فردوس، بلکه حتی از خیلی از روستاها هم سر کشی می‌کردند و خبر می‌گرفتند که در هر منطقه‌ای چه امکاناتی مورد احتیاج است. بعد هم که برمی‌گشتند برای رفع نیازهای هر منطقه چاره‌اندیشی می‌کردند.

از خاطرات جعفر بخشایش

